ساقط خواهد بود و اکثر گفته اند که در زمان غیبت نیز دو نصف میکنند و نصف را
بر ایتام و مساکین و ابن سبیل سادات قسمت میکنند و نصف دیگر را که مال امام
است نیز بعضی بدفن و بعضی بوصیت و بعضی بسقوط این حصه در زمان غیبت
قایل شده اند و این اقوال همه ضعیف و قول بسقوط کل خمس یا نصف آن منشا
سقوط حق سادات عالی درجات و هلاکت ایشان از فقر و پریشانی است و
فتوا دادن بآن نهایت جرأت است و لهذا اکثر علما این قول را رد نموده اند و
مشهور آنست که نصف را بایتام و مساکین و ابن سبیل سادات قسمت میباید
و نصف بقیه را بفقیه محدث امین امامی میدهند که او بنیابت امام عم بسادات
بدهد و اگر چیزی زیاد آید حفظ کند و بعد از خود بعالم دیگر بسپارد که اگر
سیدی پریشانی بیاید بدهد و الا برای آنحضرت ضبط کند و چون در این اعصار
سادات غالبا بیمقدار بسیار و خمس کم است چیزی نمیماند که آن عالم ضبط نماید
و بدیگری بسپارد و لیکن احوط آنست که نصف اول را نیز خود بفقرا و ایتام و
ابن سبیل قسمت ننماید بلکه آنرا به پیش عالم محدث امین امامی برد که او قسمت
نماید یا خود بتجویز و اذن او قسمت نماید و بالجمله این امر بسیار مهم و احادیث
تهدید بر ندادن خمس بسیار است و احتیاط در دین مقتضی آنست که بهر نحوی
از انحاء که باشد حبه از خمس را تصرف نکند و خسّت در این باب نورزد و تا
تواند تمام خمس را نزد فقها و محدثان که بصفت امانت و دیانت موصوف باشند
ببرد و اگر دسترس بفقیه دینداری نرسد خود آنرا بسادات قسمت نماید اما
احوط آنست که بفقرای سادات زیاده از قوت سالیانه ندهند و بیتیمی که پریشان
نباشد ندهند و بابن السبیل آنقدر بدهند که او بشهر خود برود اگرچه در شهر
خود صاحب مال باشد اینست مسایل متعلقه بزکوة و خمس که غالب اوقات اتفاق

میافتد و در همه جا مراعات احتیاط و برائت ذمه حسب الواقع شده است توقع از
برادران ایمانی و خلان روحانی آنکه هرگاه از این رساله منتفع شوند و
بمضامین آن عمل نمایند این غریق بحر خطایا و معاصی را در حیات و ممات
فراموش ننمایند والله تعالی بحقایق الاحکام و له الحمد اولا و آخرا و صلی الله
علی فخر المرسلین محمد و عترته الطاهرین الانجبین الاقدسین

و هذه صورة خط مؤلفها المرحوم و اتفق تسویدها فی ثلثة ایام من شهر الله الحرام
ذی الحجة الحرام من شهور سنة اثنین و ثلثین و مائة
و الف من الهجرة الطیبة صلوات الله
علی من الحقها و آله الطاهرة

باب در بیان آداب و ادعیه تخم کشتن و درخت نشاندن

بدانکه بهتر آنست که اول زمین را شخم کنند و بعد از آن تخم بکارند
چنانچه کلینی ره بسند خود روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق
عم گذشت بجمعی از انصار که ایشان مشغول زراعت بودند پس فرمود که
زمین را شخم کنید زیرا که رسول خدا صلعم فرموده که حق تعالی میرویاند گیاه
را از باد چنانچه گیاه را از باران میرویاند پس ایشان چنین کردند و خوب
شد زراعتهای ایشان و اما ادعیه که در این باب وارد شده است پس آنها
چند دعاست اول کلینی ره بسند خود از حضرت امام جعفر صادق عم روایت
کرده است که چون حضرت آدم عم از بهشت بسوی زمین آمد جبرئیل عم باو فرمود
که ای آدم زراعت کن آدم گفت که بمن تعلیم کن دعائی جبرئیل فرمود که این دعا
را بخوان اَللّٰهُمَّ اکْفِنِی مَؤُنَةَ الدُّنْیا وَ کُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَ
اَلْبِسْنِی الْعافِیَةَ حَتّی تُهَنِّئَنِی الْمَعِیشَةَ دویم ایضا کلینی ره بسند خود

از آنحضرت روایت کرده است که هرگاه خواهی تخمی بکاری در زمینی پس بگو
اَللّٰهُمَّ قَدْ بَذَرْنَا وَاَنْتَ الزَّارِعُ فَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاكِمًا **سیم** ایضاً
کلینی ره بسند خود از آنحضرت روایت کرده است که هرگاه خواهی زراعتی بکنی
پس بدست خود قبضه از تخم بگیر رو بقبله کن و سه نوبت بگو اَفَرَاَیْتُمْ مَا
تَحْرُثُونَ ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ پس بعد از آن بگو
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ پس بپاش آن قبضه
تخم را که در دست داری **چهارم** هرگاه خواهی نهالی بکاری یا تخمی بکاری
پس بر هر نهالی از آن نهالها و هر دانه از آن تخم بخوان سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَا
رِثِ هرگاه این را بخوانی آن نهال و آن تخم خطا نمیکند والبته میگیرد
و سبز می شود **پنجم** ایضاً کلینی ره بسند مرفوع از حضرت امام محمد باقر ع
یا امام جعفر صادق ع روایت کرده است که هرگاه خواهی نهالی در زمین
بنشانی یا تخمی بکاری این آیه را بخوان وَمَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ
طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي اُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِاِذْنِ
رَبِّهَا

رساله در ضوابط

رساله در ضوابط و قواعد علم قرائت

بسم الله الرحمن الرحیم

مسئله: ضوابط و قواعدی را که قرا در کتب تجوید و قرائت ذکر نموده اند مانند
مانند ادغام و اخفا و اظهار و مد و روم و اشمام آیا واجبست مراعات آنها
و ترک آنها موجب فساد تلاوت قرآن مجید و باعث خلل در نماز میگردد **جواب**
بدانکه این ضوابط و قواعد بر دو قسم است **قسم اول** مستحبات مانند ادغام
با غنه و بی غنه و ادغام مثلین و روم و اشمام و غیر آنها و در بعضی از اینها قرا
تصریح باستحباب نموده اند مانند مد سنت که اکثر قرا تصریح نموده اند
بانکه سنت است **قسم دویم** واجبات مانند مد متصل و آن در صورتی
است که حروف مد که آنها الف و واو ساکن ما قبل مضموم و یاء ساکن ما قبل
مکسورند با همزه در یک کلمه واقع شده و همزه بعد از آنها باشد مثل سماء
و جیئ و سوء جمیع قرا متفق اند که در این صورت مد باید داده شود یعنی در حین تلفظ
بالف و واو و یاء صوت باید کشیده شود و اگر حروف مد در کلمه و همزه متصل بآنها
در کلمه دیگر باشد در آن صورت واجب نمیدانند بلکه آنرا مد سنت میدانند
و اگر بعد از حروف مد در همان کلمه حرف ساکن مدغم واقع شده باشد مثل و
لا الضالین و دابة در این صورت نیز مد یعنی کشش صدا را در الف واجب
دانسته اند و مخفی نیست که قسم اول یعنی مستحبات ترک آنها جایز و ضرر بقرائت
و تلاوت نمیرساند چه قرا نیز همگی خود تصریح باستحباب آنها نموده اند و رعایت
آنها را اولی و احسن دانسته اند پس هرگاه ترک شود بنا بر قول قرا نیز ضرر ندارد
و اما قسم دویم یعنی واجبات مانند مد واجب پس اگر چه قرا تصریح بوجوب
آنها نموده اند و لیکن قول ایشان حجت شرعی بر وجوب نمی شود زیرا اگر اکثر آنها
از اهل سنت اند و اقوال و افعال ایشان مناط استنباط امر شرعی بنا بر طریقه